

## 35914 - حکمت‌های نهفته در ابتلا و آزمایش

### سوال

بسیار شنیده‌ام که حکمت‌های بزرگی در پس وقوع ابتلا و آزمایش‌ها نهفته است. این حکمت‌ها چیست؟

### پاسخ مفصل

بله، ابتلا حکمت‌هایی بزرگ را در خود دارد، از جمله:

۱. محقق شدن عبودیت برای پروردگار جهانیان:

زیرا بسیاری از مردم بنده‌ی هوای نفس خود هستند نه بنده‌ی الله. اعلام می‌کنند که بنده‌ی خدایند اما در صورت ابتلا عقب نشینی می‌کنند و دنیا و آخرت را از دست می‌دهند که این همان زیان آشکار است. الله تعالی می‌فرماید:

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ﴾ [حج: ۱۱]

(و از میان مردم کسی است که الله را فقط بر یک حال [و بدون عمل] می‌پرستد پس اگر خیری به او برسد بدان اطمینان یابد و چون بلایی به او رسد روی برتابد؛ در دنیا و آخرت زیان دیده است، این است همان زیان آشکار).

۲. ابتلا، به مثابه آماده سازی مؤمنان برای قدرت گرفتن در زمین است:

به امام شافعی . رحمه الله . گفتند: کدام یک بهتر است: صبر یا محنت یا تمکین (قدرت یافتن)؟ فرمود: تمکین درجه پیامبران است و تمکین رخ نمی‌دهد مگر پس از محنت، که اگر مورد امتحان قرار گیرد صبر پیشه می‌سازد و چون صبر پیشه سازد قدرت و تمکین یابد.

۳. کفاره گناهان:

ترمذی (۲۳۹۹) از ابوهریره . رضی الله عنه . روایت کرده که پیامبر . صلی الله علیه وسلم . فرمودند: «بلا همچنان در نفس و فرزند و مال مرد و زن مؤمن رخ می‌دهد تا آن که به دیدار الله برود در حالی که گناهی بر وی نیست» به روایت ترمذی (۲۳۹۹) و آلبانی در «السلسلة الصحيحة» (۲۲۸۰) آن را صحیح دانسته است.

و از انس . رضی الله عنه . روایت است که رسول الله . صلی الله علیه وسلم . فرمود: «هرگاه الله برای بنده‌اش اراده خیر کند مجازاتش را زودتر در دنیا قرار می‌دهد و هرگاه الله برای بنده‌اش اراده بد کند گناهش را نگه

می دارد تا در روز قیامت از وی [مجازاتش] باز ستانده شود» به روایت ترمذی (۲۳۹۶) و آلبنی در «السلسلة الصحیحة» (۱۲۲۰) آن را صحیح دانسته است.

۴. به دست آوردن پاداش و بالا رفتن درجات:

مسلم (۲۵۷۲) از عایشه . رضی الله عنها . روایت کرده که رسول الله . صلی الله علیه وسلم . فرمودند: «خاری یا بالاتر از آن به مؤمن نمی رسد مگر آن که الله با آن درجه ای بر درجات او می افزاید یا گناهی از او کم می کند».

۵. ابتلا فرصتی است برای اندیشه در عیب های نفس و اشتباهات مرحله گذشته:

چرا که اگر این ابتلا، مجازات باشد باید پرسید کجا خطایی رخ داده؟

۶. بلا، درسی است از دروس توحید و ایمان و توکل:

ابتلا به شکل عملی حقیقت نفس تو را برایت نمایان می سازد تا بدانی که بنده ای ضعیفی و قدرتی نداری مگر از سوی پروردگار، در نتیجه به او توکلی شایسته می کنی و آن طور که باید به او پناه می آوری. آن جاست که مکانت و تکبر و خودبینی و غرور و غفلت از بین می رود و می دانی که نیازمند مولای خود هستی و ضعیفی هستی که به آن قوی عزیز پناه میبری.

ابن قیم . رحمه الله . می گوید:

«اگر او . سبحانه و تعالی . بندگانش را با داروی سختی ها و ابتلا مداوا نمی کرد، سرکشی می ورزیدند و تجاوز پیشه می ساختند و الله سبحانه هرگاه برای بنده اش خیر بخواهد به قدر حالش دارویی از ابتلا و امتحان به او می نوشاند تا بیماری های هلاک کننده را از او خارج سازد و همین که پاک و تصفیه شد او را برای والاترین مراتب دنیا یعنی بندگی و برترین ثواب آخرت که دیدن و نزدیکی خودش است شایستگی عطا می کند» (زاد المعاد: ۱۹۵ / ۴).

۷. ابتلا، خودبینی و خودپسندی را از درون انسان خارج می سازد و او را به خداوند نزدیکتر می سازد.

ابن حجر . رحمه الله . درباره آیه ﴿ وَیَوْمَ حُنَیْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتَكُمْ ﴾ (و روز حنین، آن هنگام که تعداد زیادتان شما را به شگفت آورد) می گوید: یونس بن بکر در «زیادات المغازی» می گوید: «از ربیع بن انس روایت است که مردی در روز حنین گفت: امروز به سبب کمی تعدادمان شکست نخواهیم خورد. پس این سخن بر پیامبر . صلی الله علیه وسلم . گران آمد و چنان بود که شکست پیش آمد...».

ابن قیم . رحمه الله . می گوید:

«مقتضای حکمت الهی بود که در آغاز، تلخی شکست را با وجود زیادی تعداد و امکانات به مسلمانان بچشانند تا سرهایی را پایین آورد که بر اثر فتح بلند شده و چنان که پیامبر. صلی الله علیه وسلم. با سر خمیده بر اسبش وارد حرم شده بود آن قدر که نزدیک بود چانه ایشان از شدت تواضع برای پروردگار و فروتنی در برابر عظمت و عزت او به افسار برسد، وارد سرزمین و حرم او نشده بودند» (زاد المعاد: ۳ / ۴۷۷).

قاسمی. رحمه الله. می گوید:

«یعنی: آنان را خالص و از گناهان و آفت های نفس پاک سازد. همچنین آنان را از منافقان خالی ساخت در نتیجه از آنان تمییز داده شدند... سپس حکمت دیگری را ذکر کرده و آن هلاک شدن کافران است، زیرا اگر پیروز شوند سرکش می شوند و تکبر می ورزند و این سبب نابودی و هلاکت آنان می شود، زیرا سنت الله بر این رفته که هرگاه خواهان هلاکت دشمنان خود شود اسبابی را فراهم می سازد که مستوجب هلاکت آنان می شود که از بزرگترین این اسباب بعد از کفر، تجاوزکاری و سرکشی آنان در آزار رساندن به اولیایش و جنگیدن با آنان و مسلط شدن بر آنان است... و الله کسانی را که در روز احد با رسول خدا. صلی الله علیه وسلم. جنگیده بودند و بر کفر پافشاری کردند همگی به هلاکت رساند» (۴ / ۲۳۹).

۸. اظهار حقیقت مردم و معدن درونی آنان، زیرا کسانی هستند که فضل و برتری شان آشکار نمی شود مگر به هنگام سختی ها.

فضیل بن عیاض. رحمه الله. می گوید: «مردم تا وقتی که در عافیت اند پوشیده اند، پس همین که بلا نازل شود به حقیقت خود آشکار می شوند؛ پس مومن به سوی ایمانش می رود و منافق به سوی نفاقش».

همچنین بیهقی در «دلائل النبوة» از ابوسلمه روایت کرده که گفت: مردم بسیاری پس از واقعه اسراء به فتنه افتادند (یعنی پذیرش واقعه اسراء برایشان گران آمد و از دین برگشتند) پس عده ای به نزد ابوبکر آمدند و این را به وی گفتند. ایشان فرمود: گواهی می دهم که او راستگوست. گفتند: باور می کنی که او در یک شب به شام رفته و سپس به مکه بازگشته؟ گفت: بله، من در دورتر از آن او را راستگو می شمارم، او را تصدیق می کنم که خبر آسمان را می آورد. راوی می گوید: پس او صدیق نامیده شد.

۹. ابتلا، باعث تربیت مردان و آمادگی آنان می شود:

خداوند برای پیامبرش. صلی الله علیه وسلم. از کودکی زندگی سخت همراه با ناملایمت ها را برگزید تا او را برای وظیفه بزرگی که منتظرش بود آماده سازد. وظیفه ای که جز مردان قوی توان صبر بر آن را ندارند؛ مردانی که سختی ها آنان را ساخته و در برابر مشکلات مقاومت کرده اند و مبتلای مصیبت ها شده اند و بر آن صبر پیشه کرده اند.

پیامبر. صلی الله علیه وسلم. یتیم بزرگ شد، سپس مدت زمانی به درازا نکشید که مادرشان نیز از دنیا رفت. الله سبحانه و تعالی این را برای پیامبرش. صلی الله علیه وسلم. یادآور شده و فرموده است:

﴿أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى﴾ [ضحی: ۶]

(مگر نه آن که تو را یتیم یافت پس پناه داد).

گویا اراده الله بر این بوده که پیامبر. صلی الله علیه وسلم. را برای برداشتن بار مسئولیت و تحمل سختی‌ها آماده سازد.

۱۰. از دیگر حکمت‌های این ابتلاها و سختی‌ها این است که انسان دوستان واقعی و دوستان منفعتی را از هم تشخیص می‌دهد، چنان‌که شاعر می‌گوید: خدا به سختی‌ها خیر دهد، که با آن دوست را از دشمن تشخیص دادم!

۱۱. ابتلا، گناهان انسان را به یاد او می‌آورد تا از آن توبه کند:

الله عزوجل نیز می‌فرماید:

﴿مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ﴾ [نساء: ۷۹]

(هر چه از خوبی‌ها به تو می‌رسد از جانب الله است و آنچه از بدی به تو می‌رسد از خود توست).

و می‌فرماید:

﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ﴾ [شوری: ۳۰]

(و هر مصیبتی به شما برسد به سبب دستاورد خود شماست و [الله] از بسیاری درمی‌گذرد).

بنابراین، بلا فرصتی است برای توبه، پیش از آن‌که عذاب بزرگ روز قیامت فرا رسد، زیرا الله متعال می‌فرماید:

﴿وَلَنَذِقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ [سجده: ۲۱]

(و قطعاً به جز آن عذاب بزرگتر [آخرت] از عذاب این دنیا به آنان می‌چشانیم، امید که آن‌ها [به سوی الله] بازگردند).

عذاب دنیا همین سختی‌ها و ناخوشی‌هایی است که به انسان می‌رسد.

اما اگر زندگی در خوشی و آسایش ادامه می‌یافت انسان به مرحله غرور و تکبر می‌رسید و خود را بی‌نیاز از خداوند می‌دانست، بنابراین از رحمت خداوند است که انسان را مبتلا سازد تا به سوی او بازگردد.

۱۲. ابتلا حقیقت دنیا و فریب بودن آن را به انسان نشان می‌دهد:

و این‌که زندگی حقیقی کامل در پی این زندگی دنیاست، آن زندگی‌ای که در آن نه بیماری است و نه سختی:

{ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَیْوَانُ لَوْ كَانُوا یَعْلَمُونَ } [عنکبوت: ۶۴]

(و زندگی حقیقی همانا سرای آخرت است، ای کاش می‌دانستند)

اما این دنیا نیست مگر ناخوشی و خستگی و غم:

{ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِی كَبَدٍ } [بلد: ۴]

(به راستی که انسان را در رنج آفریده‌ایم)

۱۳. ابتلا فضل خداوند بر بنده و نعمت سلامت و عافیت را به یاد او می‌آورد:

این مصیبت با رساترین بیان، معنی سلامتی و عافیت را برای تو آشکار می‌سازد. چیزی که سال‌ها از آن بهره می‌بردی اما شیرینی‌اش را احساس نمی‌کردی و قدرش را نمی‌دانستی.

مصیبت‌ها هم نعمت دهنده و هم نعمت را به یادت می‌آورد و سببی است برای شکر الله سبحانه و تعالی به سبب نعمت‌هایش.

۱۴. مشتاق شدن به بهشت:

مشتاق بهشت نخواهی شد مگر هنگامی که تلخی دنیا را بچشی. چگونه می‌توان شوق بهشت را داشت، اگر دنیا همه‌اش خوشی و لذت باشد؟

این‌ها برخی از حکمت‌ها و منافی بود که در پی ابتلا حاصل می‌شود و حکمت‌های الهی بیشتر و برتر است.

والله تعالی اعلم